

### متن پرسش

سلام علیکم: استاد بزرگوار، حضرتعالی در پاسخ به یکی از پرسشهای قبلی سخنی را گفتید که بشخصه نتوانستم جدا با آن ارتباطی برقرار کنم و به نظرم از لسان شخصیتی مثل شما بعید بود و البته می‌خواستید روح امید هم در آن باشد ولی جدا فضای غالب آن، آن چیزی نبود که حتی مد نظر حضرت آقا باشد البته به نظرم. فرمودید ما ابا کارنامه خوبی نداریم؛ البته منظورتان از این «ما» را متوجه نشدم اگر منظورتان آموزش و پرورش است که بله در عین محاسنی که بعضا در سطح نهادهای رسمی متولی پرورش و تعلیم است، ضعف‌های جدا عمیق و ضعیف دیده می‌شود و خب وقتی بخواهیم انسانی در قامت دولت شهروندهای مدرن تربیت کنیم که در عین حال از معارف اسلامی هم بهره مند باشند، چنین اتفاقی می‌افتد و ثمره این نظام تعلیم و پرورش، انسان تراز دینی تمدن ساز نخواهد بود. قبول دارم ماهایی هم که اسم خود را نیروهای گفتمان ساز انقلاب و جبهه فرهنگی انقلاب گذاشته ایم، بخشی از فعالیتهای فرهنگی مان بی ثمر یا پوچ شده یا آن خروجی مطلوب را نداشته یا بعضا صبر و مدارای لازم را جهت جذب و تبیین و همراهی با افراد نداشتیم و یا عالم و زندگی متعالی این نهضت را نشان آنها ندادیم و با تعمق آنها را متذکر این ندای تاریخی نمودیم. هر چند نمی‌شود کلی حکم صادر کرد و بسیاری نیروهای گفتمان ساز هم جدا عالی پیش رفته اند و در تراز انقلاب کار فرهنگی کرده اند و بمراتب در این زمینه رشد کرده ایم و به نظرم عیوب هم در حال اصلاح هستند و عزم اصلاح دیده می‌شود. اما اگر رویکرد مردم دین‌گریزی شده که من عذر می‌خواهم می‌گویم، اما این را جدا قبول ندارم و رویکرد غالب را دین‌گریزی نمی‌دانم و به نظرم لفظ دین‌گریزی هم جدا مناسب نیست و شاید سستی در دین از جهاتی بهتر باشد، پس چرا نظامی توحیدی ۴۱ سال دوام آورد و استحاله‌های عظیمی نظیر سال ۸۸ خنثی شد و جبهه استکبار هم اصل مشکل را در این ظرفیت مردمی می‌داند و دینی به صحنه آمد که امثال هانتینگتون و فوکویاما مجبور شدند بگویند این یک دین و حالت معنوی صرف نیست بلکه روح تمدن مدرن را هدف گرفته و بنا دارد مقیاس کار عالم را تعویض کند و یک تقابل جدی بین اسلام و مدرنیته آن هم در این آخرالزمان و در عصری که سعی بر سکولاریزاسیون عالم و تثبیت نظم نوین جهانی بود و حتی موج‌های لائیک یا انقلابهای مصطلح به انقلاب جنسی دیده می‌شد یا حتی به تعبیر شهید سلیمانی در وصیتنامه شان سعی بر سکولار ساختن و دوری از دیانت به تمام معنای کلمه بود و البته فضای رسانه ای آن هم بی وقفه در حال تلاش بود و صدها اتاق فکری تشکیل دادند تا حدی که احسان نراقی آن هم پانزده سال پیش می‌گفت این میزان از هجمه بیش از کل هجمه ای است که علیه شوروی در طی جنگ سرد شد و این میزان هجمه اگر

علیه هر ملتی می‌شد نه تنها دوام نمی‌آورد و حتی دیندار نمی‌ماند بلکه تمام هویتش سکولاریته و لیبرال دموکراسی می‌شد. اگر شاخص اصلی دینداری تولی به اولیاء الله باشد این مردم شریف و حتی پر گلاب ما هستند که این علم را چهار دهه بر دوش گرفتند با میلیونها شهید و آزاده که جدا در طول تاریخ اصحاب حق فوق العاده است و از تعابیری بود که امام در کوچه و خیابان و بازار و مدرسه توانست عمومی اش کند و الان هم جمع کثیری از انسانها نه تنها در ایران بلکه از کشمیر گرفته تا نیجریه آماده شهادتند حتی تا آنجا که حتی اسقف های مسیحی هم می‌گویند جدا این رویکرد دینداری و احیای دین پس از انقلاب اسلامی توانست جان بگیرد. این حرکت عظیم اربعین و تازه در شهرهای خودمان راهپیمایی جاماندگان، این حرکت راهیان نور که شروعش در اوج دوره تهاجم فرهنگی بود و یکی از ثمراتش شخصیتی مثل شهید حججی شد آن هم در بحبوحه تهاجم فرهنگی و روندهایی که خود ما در سطح بعضی مسئولان می‌دیدیم، جمعیت برنامه هایی نظیر محرم و احیای گسترده شب نیمه شعبان و شب قدر و دعای عرفه که خودتان هم واقفید پیش از انقلاب جز اندکی دعای عرفه را نمی‌شناختند ولی شور عرفه را حداقل در خود ایران برای برگزاری این برنامه ها قابل مشاهده است، این جمعیت کثیر زوار و زیارتها که تنها بعنوان یک مثال کوچک هر شب سه شنبه در مسجد جمکران آن میزان جمعیت جمع می‌شود تا جایی که یکی از تئوریسین های توسعه غربی در چند سال پیش گفت چگونه توقع توسعه داریم وقتی این آمار زیارتهاست، رشد جلسات قرآن و معارف اهل بیت و و ایجاد این بستر قرآنی، این موج از خود گذشتگی ها و خیریه ها و رزمایش مواسات آن هم در بحبوحه ماسک دزدی ها و اینکه سناتور غربی می‌گوید غرب وحشی زنده شده و عمل جهادی که در برهه های مختلف به صحنه و حضور می‌آید، این تشییع خیره کننده حاج قاسم که حتی نشان داد افرادی را ممکن است علی الظاهر نتوانیم نسبتی بین آنها و انقلاب پیدا کنیم یا لااقل آنچنان ظاهرا مرتبط نیستند یا ظاهر و تحلیل هایشان رنگ و بوی مدرنیته دارد ولی اثبات کرد فطرت تاریخی شان همین انقلاب و انسان ترازوی مثل سردار عزیز بود و در اثر عدم دیتا داشتن از عالم انقلاب یا شبهات و جوسازی ها و جنگ نرم کمرنگی تعلق پیدا کرده اند، خیل افرادی که که سکولار و غیر انقلابی بوده اند و امروز خود افسران جنگ نرم اند و انقلابی و متحول شده و اینکه سبک زندگی دیگری پیدا کرده اند، اینکه در نقشه جهانی خانواده که توسط موسسات مطالعاتی غربی منتشر می‌شود ایران آن آمارهای متناسب و مقبول و برای خود غربی ها تعجل انگیز را دارد، این حرکت های عظیم جهاد علمی و یا در عرصه علوم انسانی ایجاد بحث تولید علوم انسانی اسلامی و الگوی اسلامی پیشرفت، آیا اینها و این مباحث و این سری مصادیق که پاره ای مصادیق اند، نشانه های دینداری و رشد تشریح در بین مردم ما آن هم در عصر ایستادگی در برابر عقل قدسی در سطح جهان نیست و چرا این میزان امیدوارانه در عین آسیب شناسی خاص خودشان، می‌فرمایند حرکت رو به رشد است و جدا معنویت رشد کرده به برکت صفای امام و عطای این انقلاب و البته اشاره دارند از ترویج سبک زندگی غربی ضربه خوردیم ولی در کلان صحنه را امیدوارانه و شاخصه ها را امید بخش می‌دانند. من غافل از کم کاری ها و ریزش

ها نیستیم که البته بعضی از این ریزشها طبیعی است چون ماندن در مسیر و عالم و تمدن انقلاب و به ظهور آمدن حقیقتی متعالی مثل توحید که لطیف و ذوالقدر است، صبر و بصیرتی خاص می طلبد و در طول تاریخ هم بسیاری از این مسیر برگشته و رویگردان و ریزش داشته اند. بعضی ریزشها هم در اثر نظام التقاطی آموزش و پرورش ما یا کم کاری خود ماست که با طرح معارف و عالمی می شد با حضرت امام و توحید انقلاب که باکری ها و خرازی ها را به صحنه می آورد کمک کنیم ولی غفلت و کاهلی یا روش درست و فاخری را تا حدودی پیش نگرفتیم باز هم عرض می کنم این مورد را بعنوان حکم کلی نمی دانم و معتقدم برنامه ریزی های خوب زیادی هم شده و مجموعه های فرهنگی توانسته اند رشد و رفع عیوب را باز دنبال کنند هر چند هنوز جای کار زیادست. البته بعضی در اثر بعضی تعمیم های نادرست خطاها و دنیاطلبی ها و بی بصیرتی ها به اصل انقلاب و نظام و یا شبهات و یکسری بدرفتاری ها و عدم مدارای برخی انقلابی ها، به انقلاب بدبینی پیدا و شاید در ظاهر و عقل بطرف مدرنیزه رفته باشند ولی جدا آنها هنوز فطرتشان فطرت سلیمانی است و با کار فرهنگی فاخر می شود آنها را حکیمانه متذکر و بسمت عالم انقلابی رهنمون کرد. البته من معتقدم دین گریزی جدا در جامعه کمرنگ است ولی بعضا سستی های در دین را می بینیم که البته باید در نظر گرفت شاید ظاهرا بعضی ها نسبتی با انقلاب نداشته باشند ولی روح آنها و قلبشان انقلابی است و می توان با گفتگو و استحکام حکیمانه آنها را متذکر ساخت. ان شاء الله سلامت باشید؛ قصد جسارت نداشتیم بلکه مخالفت و نقدی بود که البته حضرتعالی هم جدا دل در گرو انقلاب دارید و در مسیر پرورش انسان تراز انقلاب.

#### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان طور که متوجه و متذکر شده اید در عظمت و نقش تاریخی این انقلاب هرچه بگوییم کم است و بنده یقین دارم که حتی در درون همان هایی که به ظاهر از دینداری جدا شده اند نور توحید انقلاب اسلامی حاضر است و آنها را هم نباید از دست رفته دید و در آینده ای که چندان دور نیست، خواهیم دید دلهای بسیاری از افراد بیرون از ارادت به انقلاب، به انقلاب رجوع خواهند کرد. پس در این مورد کاملا با شما همراه هستیم. می ماند وجود استعداد های فوق العاده ای که در تشیع و مکتب حضرت روح الله نهفته است و ما می توانیم و می توانستیم از آن طریق کارهایی بکنیم که بسیار نتیجه های بهتری نصیبمان می شد. همه ی عرض بنده در این قسمت است و اگر با اموری روبه رو می شویم که دلخواهمان نیست، به جهت این نوع کم کاریهاست که موجب به تأخیر افتادن نتایج می شود که خیلی زود می توانستیم به آن برسیم. سالهای پیش عرض شد اگر دستورات حضرت روح الله را حقیقتا پذیرفته بودیم و پذیرفته بودند و جام زهر به او نمی نوشاندیم، حتی در امور اقتصادی به جای آن که دلار ارزش ارز جهان را تعیین کند، ریال این کار را می کرد. در بقیه ی موارد نیز انقلاب اسلامی چنین استعدادی دارد. سطحی نگری و کم کاری و نفهمیدن حضور تاریخی انقلاب، چیزی است که نباید از آن غفلت کرد. موفق باشید

